



هرمنوتیک

سیده ندا حبیب زاده
دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
دکتر مسین گنجی نیا
استاد یاررشته، مدیریت دولتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

چکیده

هرمنوتیک می‌کوشد ما را بر موقعیت هرمنوتیکی خود آگاه کند. این تلاش خود در یک موقعیت هرمنوتیکی صورت می‌گیرد بنابراین حاصل محدودی دارد. ما نه آگاه مطلق بلکه آگاه‌تر می‌شویم. کلید واژه‌ها: هرمنوتیک، تفسیر، دور هرمنوتیک، وظیفه هرمنوتیک.

مقدمه

یکی از مسایل امروزی مدیریت بر پایه نظریه اقتضایی^۱ دخالت ارزشها به عنوان تجلیهای (مکانی) و (زمانی) است. این امر تا آنجا پیش رفته است که در نظریه جدید از سازمان به عنوان یک متن^۲ تلقی شده است که قرائتهای گوناگونی از آن می‌شود، از طریق این باور است که رویکردهای هرمنوتیکی وارد عرصه علم مدیریت شده‌اند.

هرمنوتیک چیست؟

هرمنوتیک علم یا نظریه تأویل تفسیر است که آن را فقه اللغة یا کشف المحجوب نیز گفته اند. همچنین تفسیر شیوه تصحیح فهم متن ها، اسطوره ها، اعمال و محصولات فرهنگی است و تفسیر روش درک قواعد حاکم بر نظام خاص از نمادها یا اعمال «اعتباری» است.

پیشینه هرمنوتیک

ریشه کلمه هرمنوتیک^۳ در فعل یونانی هرمنوین^۴ نهفته است که عموماً به «تأویل کردن» ترجمه می شود و صورت اسمی آن هرمنیا^۵ نیز به معنی «تأویل» معنا شده است. کلمه یونانی هرمایوس^۶ اشاره به کاهنی دارد که پیشگوی معبد دلفی بود. این کلمه و فعل متداول تر هرمنوین و اسم هرمنیا به «خدای تیزپا» یعنی هرمس باز می گشت که ظاهراً این کلمات از نام او گرفته شده است. بدین ترتیب اصل و منشأ کلمات جدید علم هرمنوتیک به یونان باستان برمی گردد. در قرون وسطی و دوره رنسانس هم هرمنوتیک به عنوان شاخه اصلی در زمینه مطالعات مربوط به فهم انجیل قلمداد می شد. این افلاطون بود که برای اشاره به فهم شهودی دینی از این اصطلاح استفاده کرد و آن را در مقابل «سوفیا» قرار داد و ارسطو این تأویل را بسط بیشتری داد و کارش در منطق و معناشناسی را پری «هرمونیا» نامید که بعداً تفسیر قلمداد شد.

نکته ۱: شناخت یک پدیده تا آنجا ممکن است که واژه «شناخت» معنا دارد هیچ گریزی از تفسیر و تأویل نیست. وبدون تفسیر و تأویل هیچ متنی به طور خود به خود معنایش را ظاهر نمی کند و کسی بدون تفسیر معنایی را نمی فهمد.

نکته ۲: مسئله اصلی هرمنوتیک تفسیر است و هنر مفسر این که از روشهای صحیح برای فهم کامل متن کمک بگیرد. واز این طریق به مقصد یا مقاصد نویسنده برسد. از عناصر مرتبط با هرمنوتیک می توان به دور هرمنوتیک و وظیفه هرمنوتیک اشاره کرد.

دور هرمنوتیک

در دور هرمنوتیکی فهم متنی نمی تواند رویه ای عینی، به معنی عینیت علمی باشد

بلکه آن ضرورتاً بر پیش فهم دلالت می کند که شیوه ای را که خواننده طی آن قبلاً خودش و اثرش را می فهمد نشان می دهد، به این دلیل گونه ای در دور باطل بین فهم متن و خود فهمی به وجود می آید، این ارتباط متقابل همان دور هرمنوتیکی است.

وظیفه هرمنوتیک

آن چیزی که بدان باید دست یافت ذهنیت کسی که سخن می گوید و زبانش فراموش می شود و در این مورد زبان همچون ابزاری در خدمت فردیت در می آید (تأویل مثبت) زیرا به عمل اندیشه که پدید آورنده گفتار است دست می یابد.

موضوعات ادراکی عمده که هرمنوتیک با آن سرو کار دارد عبارتند از.

الف) ماهیت متن کدام است؟

ب) منظور از فهم متن چیست؟

ج) تا چه اندازه فهم و تفسیر به وسیله پیش فرضها و باورها (افق) مخاطبی که متن برای او تفسیر می شود تعیین می گردد.

علم هرمنوتیک به طوری که در عصر جدید به ظهور رسیده است دست کم به شش نحوه متمایز تعریف می شود.

۱. به منزله تفسیر کتاب مقدس

۲. به معنی روش شناسی لغوی

۳. به منزله علم فهم زبانی

۴. به منزله پدیدار شناسی فهم وجودی

۵. به منزله نظام تأویل (بازیابی معنا در برابر ساختار شکنی)

۶. به منزله مبنای روش شناختی برای علوم انسانی

شش حالتی که گذشت را می توان در چهار شیوه کلی دسته بندی کرد که هر یک از آنها با یک سؤال مشخص متمایز می شود.

معانی شیوه هرمنوتیکی

۱. واریت تفسیر متون

۲. مبنایی برای علوم فرهنگی

۳. تأملی بر شرایط فهم کامل
۴. رویه‌ای تحلیلی و واسطه‌ای

نوع سؤال

۱. فهم یک متن چیست؟ و شرایط تحقق آن کدامست؟
۲. چگونه علوم فرهنگی در روش و صورت از علوم طبیعی متمایز می‌شود؟
۳. آن شرایطی که انواع گوناگون فهم را ممکن می‌سازد چیست؟
۴. چگونه می‌توانیم مسایل دشوار مفهومی مرتبط با مفاهیمی همچون (فهم) و (معنا) را حل کنیم؟ و چگونه چنین راه حلی ممکن است ما را یاری دهد تا هدف تفسیر را در یابیم؟
در یک قطب نظریه‌ای قرار دارد که هرمنوتیک را به معنای آشکار ساختن و احیای مبنایی می‌داند که به صورت پیام ابلاغ و رمز الهی^۷ به ما خطاب می‌شود و در قطب دیگر نظریه‌ای وجود دارد که هرمنوتیک را رازدایی و کاهش توهم می‌داند. هرمنوتیک از نظر واقعیت دو تفسیر مختلف دارد.

الف) هرمنوتیک روش شناسی

ب) هرمنوتیک فلسفی.

هرمنوتیک روش شناسی

در این روش، مؤلفی که متنی را از خود به یادگار می‌گذارد و حامل پیامی است به نسل آینده طبعاً هدف مفسر نیز کشف واقعیت این پیام است و هرگز نمی‌توان تفسیر را از کشف پیام جدا کرد. در این قسمت در متون دینی یا دیگر متون تاریخی و اجتماعی فرقی ندارند در همه سعی و کوشش می‌شود تا پیام مؤلف بدست آید. بالأخص که در کتب آسمانی که پیام آن سعادت آفرینی برای انسانهاست، در تفسیر آن سعی بر اینست که مقصود واقعی از متن بدست آید زیرا انحراف از آن واقعیت جزء غلتیدن در وادی ضلالت چیزی نیست، چنانکه می‌فرماید:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ... (اسراء، ۹/۱۷)

قطعاً این قرآن انسانها را به آیین استوار راهنمایی می‌کند.

همچنین هرمنوتیک قرآنی راهگشای مباحث هرمنوتیک جدید است همان گونه که

قرآن وعده داده است هدی و بشری للمؤمنین .

هرمنوتیک فلسفی

در اینجا به هرمنوتیک فلسفی پل ریکور اشاره می شود. ریکور اصالت فکری و مشارکت فلسفی خود در حوزه بحث هرمنوتیک معاصر را از طریق نگرانی برای حفظ گفت و گو فلسفه و علوم انسانی ورد تضاد میان توضیح دادن و درک کردن نشان می دهد می گوید بیشتر توضیح دادن بهتر درک کردن است. او یکی از برجسته ترین نمایندگان هرمنوتیک است و می گوید هرمنوتیک دانشی است که به شیوه فهم و مکانیزم تفسیر متون می پردازد. در نظام فلسفی ریکور موضوع هرمنوتیک تاریخی بیان می شود که هدف از طرح موضوع زمان فهم دلالت فهم تاریخ است وی متذکر می شود. در نظام فلسفی از هستی شناسی به هرمنوتیک تاریخ می رسیم و از هرمنوتیک تاریخ به هرمنوتیک سوژه. به عبارت دیگر فلسفه سیاست، ما را به اندیشه تاریخ و زمان تاریخ سوق می دهد و از تاریخ به مسأله فهم تاریخ و شیوه روایت تاریخی می رسیم و تاریخ زندگی فرد در موضوع فهمیدن خود ما را به هرمنوتیک سوژه می رساند.

سؤال این است که، اگر هیچ فهمی جز تفسیر وجود ندارد و اگر هر چیزی نتیجه تفسیر است آیا چیز تفسیر نشده ای وجود دارد؟

این پرسش باعث شد تا تفسیرگرایان به دنبال فهم اشیاء به خودی خود و درک اندیشه های مطلق برآیند برای تفسیر این مفهوم دو سنت مشهور وجود دارد:

۱. سنت هرمنوتیک. ۲. سنت پراگماتیست

تفاوت

طرفداران این روش هرمنوتیک به تفاوت روش شناختی و رویکردهای بررسی های طبیعی و بررسی های فرهنگی و تاریخی اعتقاد دارند اما در سنت پراگماتیست فرایند روش شناختی آن دو را نسبت به موضوعشان یکسان ارزیابی می کند به این نحو که در یکی داده های تجربی را تفسیر می کند و در دیگری متن کتاب و نیت مؤلف (نیتی را که فقط می توان در خطابها و یادداشت های مؤلف مشاهده کرد). چنین رای روان کاوانه را «اشلایر

ماخر) مطرح ساخت و «پل ریکور» آن را مورد انتقاد و ارزیابی قرار داد. ذکر نام کسانی چون ویلهلم دیلتای، مارتین هیدگر، هانس گئورگ گادامر و پل ریکور دربارهٔ هرمنوتیک ضروری است از نظر تاریخی سهم فردریش اشلایر ماخر را در توسعه هرمنوتیک باید بیش از همه دانست. او اولین پژوهشگری بود که تلاش کرد که برای تأویل یک تئوری عمومی بسازد.

فرمولی که او بدست داد چنین بود:

در یک چیز جزء چارچوب کل فهمیده می شود و برعکس (همان) در این باره مثال ساده اینست که بگوییم معنای یک لغت در درون یک جمله فهم می گردد و برعکس چنین طرح مکانیکی اشلایر ماخر حاصل نشانه‌ای دوگانه است:

۱. رمانتیک؛ به دلیل کشش آن به پیوندی زنده با روند آفرینش.

۲. نقاد سنجی؛ به سبب گرایش به دقیق کردن قواعد کلی معتبر فهم.

شاید هرمنوتیک همواره با این پیوند دوگانه (رمانتیک، نقادونقاد، رمانتیک) مشخص شده باشد، پیشنهاد مبارزه علیه بد فهمی با توجه به ضرب المثل مشهور «آنجا که هرمنوتیک است بدفهمی است» نقاد و رای به اینکه «فهمیدن نویسنده در همان حدی است که خود او می فهمد یا بهتر از آن» رمانتیک است. همچنین یادداشت‌هایی که از اشلایر ماخر باقی مانده است نشان می دهد که مسأله‌ای که او در بارهٔ هرمنوتیک همراه با آن در گیر بود ارتباط میان دو فرم تأویل بود.

۱. تأویل دستوری^۸، عینی و منفی

۲. تأویل اصولی^۹، ذهنی و مثبت

تأویل دستوری مبتنی بر ویژگی‌های سخن است که در یک فرهنگ متداول است و این تأویل عینی است، زیرا با مشخصه‌های زبانی سرو کار دارد اما منفی است چون نشان دهندهٔ محدودیتهای فهم است (ارزش سنجی آن فقط در اشتباهاتی است که در معنای واژه‌ها یافت می شود). تأویل اصولی بی شک طرح فن شناسی - هنر شناسی است و چیزی که باید بدان دست یافت، ذهنیت کسی که سخن می گوید و زبانش فراموش می شود و در این مورد زبان همچون ابزاری در خدمت فردیت در می آید. این نوع تأویل مثبت خواننده می شود زیرا به عمل اندیشه که پدید آورندهٔ گفتار است دست می یابد.

نکته

۱. دو تأویل یاد شده در وضعیت مساوی هستند اما نمی توان هر دو را در یک زمان بکار برد.
۲. نه تنها یک فرم تأویل، فرم دیگر را رد نمی کند بلکه هر یک مستلزم توانمندیهای متمایز است که افراط در هر یک موجب ناهماهنگی می شود.
۳. افراط در اولی موجب عالم نمایی و افراط در دومی موجب تاریک اندیشی می شود.

هرمنوتیک هابرماس

به عقیده هابرماس روش هرمنوتیکی (روش فرضی - قیاسی) است که در امور معنا دار (متون، آثار هنری، افعال و غیره...) به کار برده می شود. منظور از امور معنا دار چیزی است که باورها و یا ارزشها یک عامل را بیان می کند و این که خود این پیام تا چه حد معنا دار است برای هر نوع اموری لزوماً روشن خواهد شد (۶).

پس در وهله نخست روش (فرضی - قیاسی) چیست؟

آن گونه که از این نام بر می آید این روش کاربرد دو عملیات است: تشکیل فرضیات و استنتاج نتایج از آنها به منظور دستیابی به باورهایی که هر چند باورهای فرضی هستند از رهگذر تناسب و انطباق با نتایج قیاسی آنها با تجربیات و دیگر باورهای تأیید شده ما تأیید می شوند. هدف روش (فرضی - قیاسی) پی ریزی مجموعهای از فرضیات مربوط به موضوع مورد پژوهش است. این فرضیات در کنار باورهای نظام روش فرضی - قیاسی جامعی را تشکیل می دهند که از نظر منطقی با همه تجربیات ما انطباق و سازگاری دارند. دلایلی وجود دارد مبنی بر اینکه روش فرضی - قیاسی نمی تواند جامع (جهان شمول) باشد.

۱. روش فرضی - قیاسی ویژه علوم طبیعی است.
۲. روش فرضی - قیاسی را تنها در علوم تجربی بکار می رود.
۳. نظامهای مبنی بر روش فرضی - قیاسی جمالات حاوی (اگر - آنگاه) را دربر می گیرند.

۴. پیش فرض روش فرضی - قیاسی این است که موضوع پژوهش یک شی تلقی می شود. بنابراین این روش را نمی توان در انسان پژوهی به کار برد.

۵. با اینکه روش روش فرضی - قیاسی یا «تبینی» در علوم طبیعی به کار می رود، روش هرمنوتیک یا روش فهم را در ادبیات و تا حدودی در علوم اجتماعی به کار می برند.

نکته: وقتی از روش هرمنوتیکی استفاده می کنیم، به روش فرضی - قیاسی مبادرت می ورزیم و بیان می کنیم که روش هرمنوتیکی روش فرضی - قیاسی است که در مورد اطلاعات و امور معنا دار به کار می رود.

«این قدرت نه توسط تصاویر ذهنی بلکه توسط معنای نوحاسته در زبان منتقل می شود، بدین ترتیب با تخیل به عنوان بعدی از زبان رفتار می شود».

1. contingency
2. text
3. hermeneutics
4. hermeneuein
5. hermenia
6. hermeios
- . kerygma
8. grammatical
9. technical



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه دیجیتال علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. اشلاير ماخرفرديش، ۱۸۳۴ میلادی، هرمنوتیک.
۲. خاکی غلامرضا، ۱۳۸۴، روش تحقیق در مدیریت، انتشارات بازتاب.
۳. ديلتای ويلهلم، ۱۹۱۱ میلادی، هرمنوتیک.
۴. ریکور پل، ۱۹۷۳ میلادی، پدیدارشناسی و هرمنوتیک، ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری.
۵. مجتهد شبستری محمد، ۱۳۷۷، هرمنوتیک، کتاب و سنت، طرح نو.
۶. هابرماس جردن، ۱۹۶۳ میلادی، شناخت و علايق انسانی.
۷. هایدگر مارتین، ۱۹۹۸ میلادی، هرمنوتیک مدرن، ترجمه بابک احمدی و دیگران.
۸. وبر ماکس، ۱۹۰۰ میلادی، نظریه سازمان اجتماعی.